مراسم وداع با داریوش مهرجویی و همسرش برگزار شد

خداحافظ ای داغ بر دل نشسته

مراسم رسمی بدرقه پیکر داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر دیروز راس ساعت ۱۰ صبح با اجرای بهرام رادان (بازیگر) برپا شد.

به گزارش ایسنا، قبل از آغاز مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر که صبح پاییزی ۲۶ مهر ماه برگزار شد ، جمعی از مردم علاقه‌مند و هنرمندان با حضور در محوطه پهنه رودکی تالار وحدت آماده وداع شدند و ترانه «چرا رفتی؟» همایون شجریان و بخشی از موسیقی فیلم «سنتوری» تا پیش از آغاز مراسم پخش شد.

احمدرضا درویش، محمدمهدی عسگرپور، شهاب حسینی، پارسا پیروزفر، فرهاد مجیدی، داریوش فرهنگ، رضا درمیشیان، رامبد جوان، مهران مدیری، حامد بهداد، نوید محمدزاده، بهنوش طباطبایی، سیامک انصاری، امین حیایی، محمدرضا گلزار، مسعود کرامتی، امیر جدیدی، امیر آقایی، مصطفی کیایی، امیر جعفری، محمدعلی نجفی، علی مصفا، جعفر پناهی، هادی حجازی‌فر، محمد رسول اف، همایون ارشادی، حسن پورشیرازی، غزل شاکری، دانش اقباشاوی، محسن امیریوسفی، محمد خزاعی رییس سازمان سینمایی، حبیب ایل‌بیگی معاون اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، مسعود کیمیایی، بهمن فرمان‌آرا، غلامرضا موسوی، بهزاد فراهانی، سیروس الوند، بهرام رادان، حبیب دهقان‌نسب، مازیار میری، هانیه توسلی، محمدرضا دلپاک، مهرداد صدیقیان، مهوش وقاری، ژاله صامتی، ابوالحسن داودی، مرتضی شایسته، همایون اسعدیان، سیما تیرانداز، محسن کیایی، سیف الله صمدیان، مسعود اطیابی، گوهر خیراندیش، گلاب آدینه، پژمان بازغی، سیاوش خیرابی، سپیده خداوردی، مانی حقیقی، فرهاد اصلانی، کوروش نریمانی، فرامرز قریبیان، فرهاد آئیش ، افشین‌هاشمی، پردیس احمدیه، مجید توکلی، سامان مقدم، سام قریبیان، ایرج راد، اصغر همت، جمال ساداتیان، فرزاد حسنی و.... از جمله هنرمندان و مسئولان حاضر بودند. مونا مهرجویی فرزند این کارگردان هم در مراسم حاضر شد.

مراسم رسمی تشییع داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر ساعت ۱۰ با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد.

مراسم با اجرای بهرام رادان بازیگر همراه شد که در ابتدا از حاضران خواست به احترام ورود پیکر این فیلم‌ساز و همسرش به پا خیزند.

پس از آن مسعود کیمیایی به سخنرانی پرداخت و از شدت تاسف نتواست به روی سن برود و سخنان کوتاهی را در بدرقه هم‌نسل فیلم‌سازی‌اش داریوش مهرجویی مطرح کرد و گفت: نمی‌توانم سخن بگویم، غیرممکن است از رفتن داریوش مهرجویی بگویم.

فرهاد آییش بازیگر سخنانش را با تسلیت برای قتل داریوش مهرجویی و همسرش آغاز کرد و گفت: استاد علی نصیریان در سفر هستند و پیامی را فرستادند. نصیریان در این پیام صوتی گفت: در بیماری با فکر و خیالت به سر می‌برم. من فرو ریختم و بی‌خواب شدم. چه کنم؟ از اولین کار خلاقات در کنارت بودم تا آخرین کار اما الان نیستم. ای مهر فرزانه! این چه روزگاری است؟! بهمن فرمان آرا کارگردان هم در سخنانی گفت: داریوش جان قرار نبود این ملاقات اینجا انجام شود. ما کجا زندگی می‌کنیم؟ یکی از بزرگترین هنرمندان این مملکت باید سلاخی شود؟

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: همان‌طور که مسعود کیمیایی گفت: «هیچ چیز نمی‌توانم بگویم. چطور دوربین کار نکرد؟ دل ما شکسته است و هر هفته قرار است اینطور جمع شویم برای یک نفر دیگر که می‌رود؟» با این حال تشکر می‌کنم از اینکه آمدید.

علی مصفا (بازیگر) نیز در این مراسم با حضور در جایگاه، پیام فریار جواهریان (همسر سابق داریوش مهرجویی) و صفا مهرجویی را قرائت کرد.

فریار جواهریان (همسر سابق داریوش مهرجویی) نوشته بود: چطور می‌توانم از شیفتگان داریوش تشکر کنم. چگونه چنین مرگ هولناکی برای داریوش و وحیده رقم خورد؟ دلم به این خوش است که نسلی جدید فیلمهایت را کشف می‌کند و معنای خاص خود را از آن پیدا می‌کند. چند سال است مشغول نوشتن خاطراتی هستیم. خاطراتی که در آن خشم هم بود ولی حالا دیگر خشمی وجود ندارد و چه حیف که در هفت ماه گذشته با داریوش قهر بودم، نمی‌شود اینطور بدون خداحافظی بروی. دلم پیش موناست که یک شبه تنها شد. پیش صفا و مریم که چطور پدرشان را از دست دادند.

صفا مهرجویی فرزند مهرجویی نیز در پیام خود نوشته بود: دنیا یک پدر خوب و بزرگ را از دست داد. ای کاش سرنوشت جور دیگری رقم می‌خورد. من میدانم و مطمئنم که خاطره پدرم زنده می‌ماند هم بخاطر آثارش و هم بخاطر زندگی شریفش. از صمیم قلب قدردان مردم و هنرمندان هستم که در غیاب من مراسم را برپا کردند.

بهرام رادان در ادامه پیامی از کیانوش عیاری کارگردان خواند که در بستر بیماری است و اعلام کرد که متاثر است از این اتفاق و از ویژگی‌های داریوش مهرجویی گفت.

عیاری در پیام خود نوشته بود: داریوش مهرجویی متبحرترین ترسیم کننده زندگی بود. او حتی در فیلمهای پیچیده و روشنفکرانه‌اش چنین ویژگی داشت. او با دانش و بینش خود می‌توانست روایت مطلوبی از هر زندگی تصویر کند. این جنایت وحشتناک معمای تازه ای است که به زودی ابعاد آن برای مردم مشخص می‌شود.

در ادامه محسن امیریوسفی، رییس کانون کارگردانان پیام کانون کارگردانان را قرائت کرد که در بخش‌هایی از صحبت‌هایش متاثر شد و با گریه پیام را خواند.

او پیش از قرائت متن گفت: بعد از مرگ غم‌انگیز کیومرث پوراحمد در اول بهار، شاهد مرگ فجیع داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر در اول پاییز هستیم.

در بخشی از پیام کانون کارگردانان نوشته شده بود: این شب پایان تلخی شد برای سینمای روشنفکری.

در این پیام از سینماگران مختلفی مانند تقوایی، کیارستمی، حاتمی و... نام برده و درخواست شده بود شرایط برای فیلمسازی همه فراهم شود.

کانون کارگردانان همچنین درخواست کرد که عاملین این حادثه در هر لباسی شناسایی و مجازات شوند.

در بخشی دیگر بهرام رادان پیام صوتی دختر بزرگتر مهرجویی، مریم را پخش کرد.

همچنین در ادامه مرضیه برومند، مدیرعامل خانه سینما از مردم حاضر در مراسم که خواستار محاکمه قاتلان بودند، درخواست کرد که با آرامش و احترام بگذارند مراسم برگزار شود.

او گفت: قرار بود پیامی نوشته شود تا من به عنوان مدیرعاملِ بدبختِ خانه سینما بخوانم ولی کسی نتوانست چیزی بنویسد. الان قاصرم از صحبت و عظمت دردی که خانه سینما به دوش می‌کشد. ما کارگردانی بزرگ و تأثیرگذارترین فیلمساز ایران را از دست دادیم. او باعث شد سازمان انتقال خون تاسیس شود آن هم در شرایطی که فیلم «دایره مینا» دو، سه سال ممنوع از پخش بود. فیلم «گاو» نیز همین طور بود. از مسئولان برای همراهی در این مراسم و مراسم آتیلا پسیانی قدردانی می‌کنم و از آنها می‌خواهم شرایط فعالیت جوان‌های سینما را فراهم کنید. از این‌ها (جوانان سینماگر) نترسید. بگذارید کارشان را بکنند. آستانه درد هنرمندان کم است ولی سیاستمداران آستانه تحمل بالایی دارند.

وی تاکید کرد: ما اینجا ماندیم در مملکت خودمان باشیم. با ما خوب باشید آنوقت با اسراییل و رژیم صهیونسیتی هم می‌جنگیم.

او خطاب به مونا مهرجویی هم گفت که آغوش ما همیشه برای تو باز است.

در آخر مونا مهرجویی دختر کوچکتر داریوش مهرجویی با تشکر از حاضران گفت: تنها احساسی که دارم این است که مامان و بابا کنارم ایستاده‌اند تا من نیفتم. امیدوارم قاتلین زودتر پیدا شوند. به قول بابام قاتلین بین ما هستند.

در ادامه پیکر داریوش مهرجویی و همسرش به قطعه هنرمندان بدرقه شد و پیکر مرحوم داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر (رقیه) همزمان با اذان ظهر چهارشنبه ۲۶ مهرماه به قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) رسید و دقایقی پس از اذان ظهر و پس از مداحی و سوگواری، مراسم خاکسپاری و تلقین برگزار شد.

برخلاف مراسم خاکسپاری آتیلا پسیانی که با ازدحام و بی‌نظمی همراه بود، برای مراسم این دو هنرمند تدارک بهتری دیده شده و محدوده قطعه هنرمندان برای جلوگیری از ورود افراد غیرمرتبط محصور شده است.

با وجود آنکه مراسم تشییع در مقابل تالار وحدت با حضور جمع زیادی از مردم همراه بود، تعداد قابل توجهی نیز در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) و پیش از رسیدن پیکرها، در محل حاضر بودند.

بهروز افخمی با یک دوربین حرفه‌ای فیلمبرداری در این مراسم حضور داشت و به تصویربرداری از آن پرداخت.

حمید نعمت‌الله، محمد اطبایی، مجتبی میرتهماسب، بهمن فرمان‌آرا، رخشان بنی‌اعتماد، علیرضا داودنژاد، جمشید گرگین، جواد یحیوی، رضا داودنژاد، حمید پورآذری، گلاب آدینه، ارسلان امیری، علی علائی، حسن پورشیرازی، آیدا پناهنده و... از جمله هنرمندان حاضر در مراسم خاکسپاری داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر بودند. ساعت ۱۳ خاکسپاری پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر به پایان رسید.

بازیگر برنده اسکار خواستار پایان جنایات جنگی در غزه شد

جمعی از بازیگران از جمله «تیلدا سوئینتون» بازیگر برنده اسکار انگلیسی خواستار پایان جنایات جنگی و محاصره و بمباران مردم غزه شدند.

به گزارش ایسنا به نقل از ددلاین، بیش از ۲۰۰۰ هنرمند با محکوم کردن بمباران و محاصره غزه توسط رژیم صهیونیستی، خواستار آتش بس فوری و باز شدن گذرگاه‌های غزه شدند.

این نامه به امضای جمعی از هنرمندان بریتانیایی شامل بازیگران سرشناسی مانند «تیلدا سوینتون»، «چارلز دنس»، «استیو کوگان»، «میریام مارگولیز» و «پیتر مولان» رسیده است.

در بخشی از این نامه آمده است: ما شاهد یک جنایت و فاجعه هستیم. اسرائیل بخش زیادی از غزه را به ویرانه تبدیل کرده و آب، برق، غذا و دارو را برای ۲.۳ میلیون فلسطینی قطع کرده است.

در این نامه از دولت‌هایی که حمایت خود را از اسرائیل ابراز کرده‌اند، انتقاد شده و گفته شده زمانی خواهد رسید که آنها «به خاطر همدستی خود» مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

در این بیانیه آمده است: «اما در حال حاضر، ضمن محکوم کردن هر اقدام خشونت آمیز علیه غیرنظامیان و هرگونه نقض قوانین بین المللی از سوی هر کسی که آن را مرتکب می شود، وظیفه ما این است که تمام تلاش خود را برای پایان دادن به ظلم بی سابقه ای که در غزه اعمال می شود، انجام دهیم.»

در این نامه مواضع امضاکنندگان علیه ویرانی غزه و آوارگی گسترده فلسطینی‌ها تکرار شده و از دولت‌ها خواسته شده تا به حمایت نظامی و سیاسی خود از اقدامات اسرائیل پایان دهند.

بمباران و محاصره نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی به مدت ۱۱ روز ادامه یافته است و به گفته آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (آنروا) بیش از یک میلیون نفر - تقریبا نیمی از جمعیت غزه - آواره شده اند و بمباران اخیر یک بیمارستان در غزه که به مرگ صدها تن انجامید، خشم و انزجار جهانی از رژیم صهیونیستی را بیش از پیش برانگیخته است.

یک هنرمند مازندرانی:

طبیعت مازندران همواره الهام بخش اثر هنرمندان است

یک هنرمند مازندرانی می‌گوید: طبیعت و محیط زیست، دشت و شالیزارها، طبیعت جنگل‌ها همه و همه می‌توانند بر موفقیت یک هنرمند تاثیر گذار باشند، لذا طبیعت همواره برای هنرمندان الهام بخش خواهد بود. برخی جهان را ترکیبی از انسان، حیوان و طبیعت دانسته‌اند، بنابراین می‌توان گفت؛ هنرمندان با الهام از طبیعت می‌توانند با خلق آثار مهم هویت‌های بومی و تاریخی را زنده نگه دارند.

به همین منظور ایسنا گفت‌وگویی با «سمانه موسوی» فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده فنی قدسیه ساری از دانشگاه علوم فنون تهران داشته که در ادامه می‌خوانید.

از چه سالی فعالیت رسمی و حرفه‌ای خود را در عرصه هنر شروع کردید؟

با توجه به اینکه رشته تحصیلی‌ام در دوران دبیرستان و دانشگاه هنر و گرافیک بود لذا از سال ۱۳۷۲ در این حرفه هستم اما از سال ۱۳۷۸ با شرکت در نمایشگاه جمعی گنجینه بابل فعالیت خود را رسما در زمینه نقاشی شروع کردم.

تاکنون چه دستاوردهایی داشتید و در چه نمایشگاه‌هایی آثار شما به تماشا گذاشته شد؟

از جمله دستاوردهای من؛ شرکت در نمایشگاه جمعی گنجینه بابل، شرکت در نمایشگاه جمعی چهل اثر نگارخانه مولاییان، شرکت در نمایشگاه جمعی گالری اریک تهران ۱۳۹۷، شرکت در نمایشگاه جمعی جشنواره هنر ایرانیان تهران در سال ۱۴۰۰، شرکت در نمایشگاه مشترک گروهی آنلاین ایران و ایتالیا در سال ۱۴۰۱ و نمایشگاه آنلاین گروه ارت‌فر ایران و استانبول بوده است.

در حال حاضر چه سبکی را دنبال می‌کنید و معیار و دلیل انتخابتان در این رشته هنری چه بود؟

طبیعتا انتخاب هر سبکی به شناخت، توانایی‌ها وعلاقه‌ی انسان بر می‌گردد. پس از سال‌ها فعالیت رشته هنر را انتخاب کردم و در آن رشته فارغ‌التحصیل شدم طبیعتا تاثیر قوی و قدرتمندی در ناخودآگاه من گذاشت. با توجه به اینکه در مازندران زندگی می‌کنم رنگ‌ها در دل طبیعت استان گسترده و متنوع هستند موجب شد تا به دستبافت‌هایی مثل نمد، پارچه بافی و گلیم بافی علاقه مند شوم و فعالیت داشته ودارم.

در اجرای هنرهایی که برشمردید به ویژه در نقاشی و صنایع دستی چه موضوعاتی را دنبال کردید و آیا در زمینه ظرفیت بومی استان فعالیت داشتید؟

به دلیل اینکه گرایش زیادی به موتیف داشتم و طبیعت مازندران هم یکی از شاخص‌های بزرگش بافت و موتیف است طبیعتا این همخوانی و هم ذاتی بین نقوش و انتزاع من را به این سمت سوق داد. از طرفی در فرهنگ گذشته ما حداقل در هنر ایرانی هنر انتزاعی چه در مینیاتور چه در نگارگری، قالی و فرش و پارچه انتزاع حرف اول را می‌زد؛ لذا با توجه به اینکه بیشتر از آنکه گرایش به طبیعت داشته باشم و بخواهم عین طبیعت را به تصویر بکشم بازتاب بصری طبیعت در من به شکل انتزاعی بیشترین تاثیر را بر روی آثار من داشته است.

برنامه شما برای برگزاری نمایشگاه انفرادی و آموزش هنر به صورت تخصصی چیست؟

در حال حاضر بر روی نمایشگاه انفرادی خودم کار می‌کنم. اما برنامه خاصی برای آموزش ندارم در صدد هستم این سبک را مطرح و معرفی کنم. اما لازم است از استادم آقای مولاییان قدردانی کنم که هدایتگر من در این کار هنری بودند و مروج خوبی در این کار هنری باشم.

از نظر شما میان هنر و طبیعت چه پیوندی وجود دارد. آیا هنر می‌تواند نمایش واقعی از جامعه و انسان‌ها به تصویر بکشد؟

هنر به هیچ وجه نمایش واقعی از واقعیت نیست. اساسا رابطه‌اش با طبیعت یک رابطه یکسان نیست آنچه که در هنر اهمیت دارد فراتر از طبیعت و واقعیت است. هنرمند بستری را ایجاد می‌کند که طبیعت و جامعه را به سمت زیباتر شدن سوق دهد به همین خاطر باید در خودش قابلیت‌های برتر از طبیعت و برتر از اتفاق‌های ساده اجتماعی داشته باشد.

هنر یک گام جلوتر از واقعیت‌هاست به همین خاطر هنر رویای تحقق نیافته انسان است که به واسطه‌ی هنرمند شکل می‌گیرد و به وجود می‌آیید تا بتواند جهان را زیباتر کند به همین خاطر خود هنر متاثر از طبیعت و فضای اجتماعی‌ست اما بیانگر طبیعت و موقعیت اجتماعی نیست بلکه آن را تبدیل به یک امکان قدرتمند می‌کند برای بهتر زیستن.

با توجه به اینکه صنایع دستی مازندران یکی از پتانسیل‌های مهم این استان است آیا تاکنون در این حوزه فعالیتی داشتید؟

علاقمند به صنایع دستی مازندران و در این راستا فعالیت‌هایی دارم که علاوه بر اینکه نقاشی می‌کنم بازیافت پارچه را در ردیف کار خود قرار دادم به طور مثال با شلوارهای از جنس جین که دیگر قابل استفاده نیست کیف، کوله پشتی، جامدادی و یا تبدیل به لباس‌های دیگر می‌کنم. در نمایشگاه‌های فصلی استان شرکت می‌کنم، حتی به صورت آنلاین هم اقدام به فروش دست سازهای خود دارم.

نگاه

ناکجاآباد؛ نقدی بر فیلم «هیچ کجا»

آریو راقب کیانی

توتالیتاریسم شکلی از حکومت است که هرگونه مخالفت فردی را غیرقانونی و تابو می‌داند و بر تمامی ابعاد زندگی خصوصی و عمومی افراد و همچنین رسانه‌های اجتماعی کنترل و نظارت دارد. بنابراین حکومت‌های تمامیت‌خواه، افراطی‌ترین صورت از اقتدارگرایی را از خود نشان می‌دهند. سینما نیز هر از گاهی به حکومت‌های توتالیه پرداخته است که نمونه‌هایی از آن فیلم‌ها عبارتند از سرزمین و آزادی، Downfall و .Ivan the Terrible آلبرت پینتو هم در فیلم Nowhere (هیچ کجا) یک ضدآرمانشهر (Dystopia) را به صورت مختصر و مفید تصویرسازی کرده است که در آن جامعه‌ای به رویت مخاطب می‌رسد که یک دولت ظالم در اسپانیا با روی کار آمدن قصد چیرگی بر جامعه دارد و البته که آن را به تباهی و هرج و مرج می‌کشاند.

فیلمساز زوجی را به تصویر می‌کشد که پیشتر و در پیش داستان فیلم، دختر اول خود را به دلیل دزدیده شدن توسط ارتش، از دست داده‌اند و شخصیت «میا» به عنوان مادر باردار این خانواده (با نقش آفرینی آنا کاستیلو) خود را مقصر این اتفاق قلمداد می‌کند. اما همسر او یعنی شخصیت «نیکو» (با بازی تامار نواس) در فکر پی‌ریزی نقشه‌ای هست تا به طور غیرقانونی از اسپانیا مهاجرت نمایند. سرزمینی که زین پس در آن مادران بادار و کودکان قتل عام می‌گردند و به نوعی این نسل کشی، افراد را مجاب به کوچ اجباری به مقصدی نامشخص کرده است. فیلم با توجه به حاشیه راندن و طرد شدن و اعمال خشونت بر طیف وسیعی از شهروندان در قالب سینمایی ضد ایدئولوژیک قابل توجه می‌نماید. از منظری دیگر و با نگاه سمبلیستی نیز گفتمان غالب دنیای مردانه به مقوله زایش و تولید مثل و نسل آینده و حذف فیزیکی افراد حس تلخکامی را به مخاطب القاء می‌نماید.

اما محوریت فیلم «هیچ کجا» بر روی کاراکتر «میا» می‌گردد. جائی که او بعد از، از دست دادن همسرش، برای بقاء و ادامه حیات و نسل، در حال جدال و مبارزه است. او باید تک و تنها و به نوعی اسیر شده در کانتینری بر پهنه اقیانوس، باید راه نجات و رسیدن به ایرلند را به عنوان سرزمینی که همچنان مهد دموکراسی است، بیابد. کانتینر در این فیلم نمادی از زندان می‌باشد که «میا» باید خود را از آن از طریق وسعتی طولانی و لایناهی به نام اقیانوس، برهاند. فیلم به قدری در چیدمان علل و معلول حوادث پشت سر هم، منظم و قاعده‌مند عمل می‌کند، که این شیوه روایت ریتم صحیحی به فیلم می‌بخشد. تمامی کنش‌های رخ داده و واکنش‌های صورت گرفته شده از سوی کاراکتر «میا» در نیمه دوم فیلم، متناسب با ریتم ساختاری فیلم و ریتم ژانری و ریتم میزانسنی و ریتم فیلمبرداری و حتی ریتم نماها به پیش می‌روند. حتی ریتم تدوین نیز ضرباهنگ درستی را با در نظر گرفتن فراز و فرودهای فیلم، به مخاطب تزریق می‌کند؛ چه می‌خواهد سکانس وضع حمل شخصیت «میا» باشد، چه می‌خواهد سکانس چگونگی ایده ماهیگیری او باشد و یا چه می‌خواهد سکانس زخمی شدن او به هنگام برش سقف کانتینر باشد، همه و همه در نقطه اوج منحنی قاب دوربین کات و دیزالو می‌گردند.

فیلم نگاه اومانیستی‌اش را تا انتها بر این زن گرفتار در کشتی باربری حفظ می‌نماید و آخرالزمانی را جلوه می‌کند که بشر باید مقطوع النسل گردد و مقام انسانیت را پائین‌تر از کالاهای محبوس در کانتینرهای یک کشتی متصور می‌شود. فیلم در تلقین رنگ‌های قاب‌های دوربین نیز بسیار هوشمندانه عمل می‌کند و حس خفقان زندانی شدن در یک کانتیر را به درستی اشباع و ابراز می‌دارد. فضای بسته‌ای که در آن، زن با رویت کانتینر دیگری که مملو از انسان‌های دیگر است و غرق می‌شود دچار کلاستروفوبیا می‌گردد و برای خلاصی از این تنگناهراسی دست به هر ماجراجویی می‌زند. حتی زایش کودک نیز، به صورت نمادی می‌گردد که در آن کودک نیز با تولد خود می‌خواهد به عنوان عاملی محرک که خود را از رحم مادر آزاد کرده، حس آزادی خواهی از فضای بسته را نیز به مادر خود القاء نماید. فیلم در جغرافیای خیالی‌اش و آنجا که کشتن زنان باردار و کودکان در فیلم برای کنترل جمعیت به صورت خشن و بی رحمانه عادی سازی می‌گردد، نهیب می‌زند و بنیاد خانواده را ارج می‌نهد. اما فیلم خوش ساخت «هیچ کجا» ضعف‌هایی نیز دارد. میا زن سخت جانی جلوه می‌نماید که تحت هر شرایطی در مقابل مصیبت‌ها و بلاهای وارد شده بر او و علیرغم داشتن زخم عمیق در پا جان سالم به در می‌برد و گوشی موبایل او بیش از دوازده روز است که دوام آورده و علیرغم شکستگی صفحه‌اش همچنان روشن می‌شود و اینکه او چگونه با آن دم و تشکیلات جزئی در کانتینر برای خودش کلک می‌سازد تا فرزند خود را که نوآ نام دارد، موسی وار بر اقیانوس بیندازد به امید آنکه زنده بماند. در انتها باید گفت فیلم «هیچ کجا» اگر چه در ناکجاآبادی همسان و تکثیر یافته روایت می‌شود، ولیکن هیچگاه به لحاظ بصری به تکرار نمی‌افتد و از خشونت دنیای مردانه در تقابل با جاه طلبی زنانه‌اش به تعادل و سر مقصد منزول می‌رسد.

اخبارکوتاه

برپایی نمایشگاه نقاشی شهریار تیمورپور در مجموعه تئاترشهر

نمایشگاهی از نقاشی‌های زنده‌یاد شهریار تیمورپور(طراح گریم و نقاش) در سالن انتظار تالار چهارسو برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، نمایشگاه نقاشی‌های زنده‌یاد شهریار تیمورپور از ۲۸ مهرماه ساعت ۱۵ افتتاح می‌شود و در روزهای بعد از ساعت ۱۷:۳۰ و تا تاریخ ۲۶ آبان‌ماه پذیرای بازدیدکنندگان خواهدبود.

شهریار تیمورپور از طراحان پیشکسوت چهره پردازی تئاتر ایران، سال ۱۴۰۰ به دلیل ابتلا به کرونا درگذشت. مرحوم شهریار تیمور پور به سال ۱۳۳۸ در شهرستان بجنورد به دنیا آمد. این هنرمند پس از طی دوران مقدماتی تحصیلی وارد دانشکده هنرهای زیبای تهران شده و مدرک کارشناسی نقاشی خود را دریافت کرد و پس از آن به عنوان طراح گریم در سالن‌های تئاتری از جمله سنگلج و مجموعه تئاترشهر مشغول به کار شد.

این نمایشگاه به همت انجمن گریم و ماسک خانه تئاتر ایران، گروه طراحان هنر و کیوریتوری بیتا عالی مهر در سالن انتظار تالار چهارسو برگزار می‌شود و بازدید و خرید تابلو برای علاقه‌مندان(ساعت ۱۷:۳۰ تا ۲۰) آزاد است

اتفاق کنسرت علیرضا قربانی یک ناهماهنگی بود

وزیر فرهنگ با اشاره به عدم صدور مجوز کنسرت برای علیرضا قربانی در اصفهان اعلام کرد که این مشکل اکنون حل شده و بر اثر یک ناهماهنگی اتفاق افتاده بود.

به گزارش ایسنا، محمدمهدی اسماعیلی اظهار کرد: در اجراهای صحنه‌ای سیاست ما مشخص است و همه باید به قانون پایبند باشند و البته اجرای قانون استان و شهر نمی‌شناسد. وزیر فرهنگ ادامه داد: موضوع آقای قربانی برای کنسرت در اصفهان در حال حل شدن است و بیشتر بر اثر یک ناهماهنگی اتفاق افتاده بود.

«پرونده مختارنامه» دوباره باز شد

نگارش کتاب «پرونده مختارنامه» که در قالب رمان، به مرور خاطرات سال‌های ساخت این سریال می‌پردازد، به پایان رسید.

رضا استادی که در فاصله سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ مدیریت روابط عمومی این سریال تلویزیونی را به عهده داشته، کتاب «پرونده مختارنامه» رمان گونه را با تکیه بر خاطرات و مشاهده‌های خود در طول سال‌های ساخت این سریال تلویزیونی مکتوب کرده است.

کتاب، نگاهی تحلیلی به سریال دارد و به گفته او تلاش می‌کند به زبانی ساده قصه «چگونگی شکل گیری مختارنامه» را با همه نقاط ضعف و قوت روایت کند و به این سوال پاسخ دهد که این سریال چگونه ساخته و چرا ماندگار شد؟

استادی درباره دلایل طولانی شدن نگارش این کتاب در بازه زمانی ۱۷ سال نیز می‌گوید: «بعد از سریال مختارنامه در مجموعه‌های مختلفی با تلویزیون و همچنین بخش خصوصی و دولتی همکاری داشتم و همین مساله امکان مقایسه میان این آثار با سریال مختارنامه را فراهم کرد. این کتاب به نوعی اولین تاریخ شفاهی و مستندسازی سریالی نمایشی در تلویزیون نیز محسوب می‌شود که جریان ساخت این سریال را با همه فراز و نشیب‌هایش بدون سانسور و پرده پوشی روایت می‌کند و به همین دلیل محتوای آن همچنان تازه و غیرتکراری است. برای رسیدن به این نقطه لازم بود مدت زمانی از پخش و بازپخش سریال بگذرد تا این محتوا به اصطلاح ته نشین شود و در مواجهه با شرایط اجتماعی و همچنین سریال‌های دیگر محک بخورد. متن فعلی شامل هر اتفاقی است که در سریال مختارنامه افتاده و به طور معمول همه مخاطبان از آن خبر نداشته‌اند و در طول سال‌های گذشته نیز رسانه‌ای نشده است.»